

نقد مرحوم امام بر برهان دوّم مرحوم آخوند (ب):

حضرت امام پس از تبیین برهان دوّم آخوند آن را رد کرده و می نویسند:

«و منها أنّ الإیصال لیس أثر كلّ مقدّمة، فلا بدّ من الالتزام إمّا باختصاص الوجوب بالأسباب التولیدیة، أو الالتزام بوجوب الإرادة، و هو التزام بالتسلسل.

و الجواب: أنّ المراد بالإیصال أعمّ من الإیصال مع الواسطة، فالقدم الأوّل بالنسبة إلى الحجّ قد یكون موصلاً و لو مع الوسائط إليه، أي يتعقّب الحجّ، و قد لا یكون كذلك، و الواجب هو الأوّل.»^۱

توضیح:

۱. مرحوم آخوند می فرمود: اینکه مقدمه موصله را واجب می دانند باطل است چراکه «ایصال» اثر همه مقدمات نیست بلکه فقط اثر اسباب تولیدیه است و اگر کسی بگوید در مسببات غیر تولیدیه هم، بالاخره علّت تامّه موجود است مرحوم آخوند می فرماید، علّت تامّه در غیر تولیدیه ها عبارت است از «مقدمه + اراده ذی المقدمه» و این مجموعه نمی تواند، مأموریه باشد، چراکه «اراده» نمی تواند واجب شود.

۲. مرحوم امام پاسخ می دهند:

اولاً: «ایصال» گاهی ایصال بی واسطه است (مثل علّت تامّه) و گاهی ایصال با واسطه است (مثلاً رفتن در مسیری که به حج منتهی می شود، هر قدمش ایصال با واسطه است) پس هر مقدمه ای که در آینده، ذی المقدمه بر آن مترتب شود (و لو اینکه مقدمات دیگر به آن ضمیمه شود) موصله است و لازم نیست «مجموع علّت تامّه» را موصل بدانیم [پس: برای اینکه هر مقدمه واجب شود، لازم نیست که کل مقدمات را با هم لحاظ کنیم و آن ها را علّت تامّه به حساب آوریم تا اشکال شود که چون یکی از «کل مقدمات» اراده است و اراده نمی تواند واجب باشد، پس «مجموعه مقدمات» نمی تواند واجب باشد]

[ما می گوئیم: احتمالاً همین نکته مورد نظر مرحوم خویی هم هست و همین اشکال هم بر مرحوم آخوند وارد کرده است:

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۹۵.



«و غیر خفی ان ملاک الوجوب الغیری قائم بخصوص ما یكون توأمًا و ملازمًا لوجود الواجب فی الخارج من ناحية وقوعه فی سلسلة مبادئ وجوده بالفعل لا بمطلق المقدمة و ان لم تقع فی سلسلتها، و لا بخصوص الأسباب التولیدیة، فالظہارة من الحدث أو الخبث مثلا ان وقعت فی سلسلة مبادئ وجود الصلاة فی الخارج فهي واجبة و الا فلا، مع انها لیست من الأسباب التولیدیة بالإضافة إلى الصلاة.»^۱

حضرت امام سپس به اشکال دوم خود اشاره می کنند و می نویسند:

«و أمّا الإشکال بالإرادة ففيه أولاً: أن الإرادة قابلة لتعلق الوجوب بها كما فی الواجب التبعی. و ثانياً: أن الإشکال فیها مشترك الورد، إذ بناء علی وجوب المقدّمة المطلقة تكون الإرادة غیر متعلقة للوجوب لو لزم منه التسلسل.»^۲

توضیح:

۱. اولاً: اراده قابل آن است که متعلق امر و وجوب قرار گیرد.
 ۲. ثانياً: اگر اراده قابل آن که واجب شود، نیست، در این صورت این اشکال بر مرحوم آخوند هم وارد است. چراکه اگر گفتیم مقدمه مطلقاً واجب است (چه موصله و چه غیرموصله)، یکی از مقدمات اراده است و مرحوم آخوند باید بپذیرند که این مقدمه واجب نیست.
- ما می گوئیم: ظاهراً این اشکال دوم بر مرحوم آخوند وارد نیست چراکه اگر مرحوم آخوند مطلق مقدمات را واجب بر شمرد (حتی اگر موصله نباشد)، لازم نیست همه مقدمات را واجب بداند کما اینکه به صراحت به «عدم وجوب اراده» تصریح دارد در حالیکه آن را از زمره مقدمات می داند. به عبارت دیگر قول به وجوب مطلق مقدمه (غیرمقیده به ایصال) منافات با قول به عدم وجوب اراده (از زمره مقدمات) ندارد.

۱. محاضرات فی أصول الفقه (طبع دار الہادی)، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۳۹۵.



نقد منتقی الاصول بر برهان دوّم مرحوم آخوند (ب)

ایشان می نویسد:

«انه لو تنزلنا و سلمنا امتناع اختیاریه الإرادة مطلقا و امتناع تعلق البعث بها لأجل ذلك، فهو لا یرتبط بما نحن فيه من فرض تعلق الوجوب الغیری بها، لأن الوجوب الغیری الّذی يفرض ثبوته و تعلقه بالمقدمة لیس حکما مجعولا متکفلا للبعث علی حد سائر الوجوبات، و انما عبارة عن شوق نفسانی یتعلق بالمقدمة بتبع تعلق الشوق بذیها، فحقیقة الوجوب الغیری لیست إلّا شوقا مترشحا عن الشوق النفسی المتعلق بذی المقدمة. و من الواضح ان متعلق الشوق لا یتعتبر فيه ان یرتبط اختیاریا، فکثیرا ما یتعلق الشوق بأمر غیر اختیاری، و لا وجه لاعتبار کونه اختیاریا کما لا یخفی.»^۱

توضیح:

۱. اگر بپذیریم که اراده اختیاری نیست (و محال است طلب به آن تعلق گیرد) این مربوط به وجوب غیری نیست.
۲. چراکه وجوب غیری، یک حکم مستقل و جعل شده نیست تا مثل بقیه واجبات همراه با بعث باشد. بلکه یک شوق نفسانی نسبت به مقدمه است که تابعی است از شوق نسبت به ذی مقدمه.
۳. و متعلق شوق لازم نیست اختیاری باشد.

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش ایشان آن است که آنچه محال است آن است که مولا امر کند به مکلف که «اراده کن» (چراکه «اراده» اختیاری نیست) در حالیکه در مانحن فيه مولا امر نمی کند که «اراده کن» بلکه صرفاً مشتاق است که مکلف اراده کند.
۲. این سخن به نظر کامل نیست چراکه: سخن ما در آن است که آیا می توانیم از حکم عقل به اینکه «اگر کسی به ذی مقدمه حکم کند، باید به مقدمه هم حکم کند» کشف کنیم که شارع به مقدمه «امر» کرده است پس اگر کسی بگوید مقدمه واجب است، می گوید شارع به آن امر کرده است.

۱. منتقی الاصول، ج ۲، ص ۲۹۴.

